

ممیز / ...

(یادنامه‌ی زنده‌یاد مرتضی ممیز)

فرزاد ادیبی

www.ketab.ir

عنوان و نام پدیدآور: ممیز / ... (یادنامه‌ی زنده‌یاد مرتضی ممیز) / فرزاد ادیبی.

مشخصات نشر: تهران: بامداد نو، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۴۱۲ ص؛ مصور، عکس؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

فروست: دفترهای تهران: ۵ / زیر نظر محمدجواد حق شناس.

شابک: ۹-۱۶-۶۶۳۷-۶۲۲-۹۷۸-۹۰۰۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: قیفا

عنوان دیگر: یادنامه‌ی زنده‌یاد مرتضی ممیز.

موضوع: ممیز، مرتضی، ۱۳۱۵-۱۳۸۴ -- یادنامه‌ها

موضوع: گرافست‌ها -- ایران

موضوع: Graphic artists -- Iran

شناسه افزوده: ادیبی، فرزاد، ۱۳۴۶-، گردآورنده

شناسه افزوده: حق شناس، محمدجواد، ۱۳۳۹-

رده‌بندی کنگره: NC۹۹۲

رده‌بندی دیویی: ۷۶۰/۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۷۲۸۳۴۳۰

دفترهای تهران ۵

زیرنظر:

محمدجواد حق شناس



انتشارات بامداد نو

ممیز

(یادنامه‌ی زنده‌یاد مرتضی ممیز)

فرزاد ادیبی

ا طرح جلد: فرزاد ادیبی

حروف نگاری، صفحه‌آرایی و آماده‌سازی: بامداد نو

چاپ و صحافی: پردیس دانش | نوبت اول: تابستان ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه | قیمت: ۹۰ هزار تومان

انتشارات بامداد نو:

تهران - صندوق پستی: ۱۱۶۶ / ۱۳۱۴۵

تلفن: ۰۹۱۲۷۹۸۴۷۳۶

مرکز پخش: ققنوس: ۰۹۹-۶۶۴۶۰۰۲۱

bamdadnow@gmail.com

شابک: ۹-۱۶-۶۶۳۷-۶۲۲-۹۷۸

ISBN: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۳۷-۱۶-۹

فهرست

- به جای مقدمه / فرزاد ادیبی ۷
پیش‌گفتار / محمد جواد حق شناس ۱۰

فصل اول

ممیز / ممیز / ۱۳

- ۱۵ سال شهرزند / مرتضی ممیز / حسین چنغانی
۲۹ ممیز / عاملا حول / ارغوان محبی - معراج قنبری
۳۵ ممیز / نویسنده‌ی «خاموش دریا» / مرتضی ممیز
۴۲ ممیز / نویسنده‌ی «نفسی آزمایش ست، نه آسایش» / مرتضی ممیز
۴۴ ممیز / نویسنده‌ی «صفحه‌آرا» / مرتضی ممیز ۴۴

فصل دوم

ممیز به ایت دیگران / ۵۳

- ۵۵ ممیز / پژوهشگر/ یعقوب آژند
۵۹ ممیز/ سال بالایی دانشکده/ آیدین اداشلو
۶۲ ممیز/ طراح صحنه و لباس/ امیر اثباتی
۶۹ ممیز/ آشنای ما/ احمد رضا احمدی
۷۳ ممیز/ تأثیرگذار/ فرزاد ادیبی
۷۷ ممیز/ تصویرگر/ فرزاد ادیبی
۸۴ ممیز/ مؤسس رشته‌ی گرافیک در دانشکده‌ی هنرهای زیبا/ فرزاد ادیبی
۸۸ ممیز/ معمار نشانه/ مصطفی اسداللهی
۹۱ ممیز/ طراح نمایشگاه‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران/ ایرج افشار
۹۴ ممیز/ صفحه‌آرا/ کامران افشارمهاجر
۹۹ ممیز/ عضو شورای عالی خانه هنرمندان/ غلامحسین امیرخانی
۱۰۳ ممیز/ همسایه‌ی من/ توفیق فیکرت اوچار
۱۰۷ ممیز/ پیغام ماندگار/ بن باس
۱۱۲ ممیز/ مؤلف کتاب درسی/ خدیجه بختیاری
۱۱۸ ممیز/ همسر/ افسانه بدر
۱۱۹ ممیز/ استاد راهنما/ محمدعلی بنی‌اسدی
۱۲۱ ممیز/ طراح پوستر/ کوروش یارسانژاد
۱۲۰ ممیز/ طراح نشانه‌ی نوشتاری/ صداقت جباری
۱۲۳ ممیز/ سوژه‌ی عکاسی من/ حسین چنغانی
۱۳۷ ممیز/ همکار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان/ ابراهیم حقیقی
۱۳۹ ممیز/ هنرمندی جامع‌الاطراف/ محمدحسین حلیمی
۱۴۳ ممیز/ مدیر آتلیه/ علی خسروی
۱۴۸ ممیز/ نوآور/ کامبیز درم‌بخش
۱۵۰ ممیز/ شاگرد دبیرستان ما/ پرویز دوانی
۱۵۶ ممیز/ در شش پرده/ نورالدین زرین‌کلک
۱۶۱ ممیز/ سوژه‌ی عکاسی/ مریم زندی ۱۶۱

۱۶۵	ممیز/ طراح فونت/ مسعود سپهر
۱۷۰	ممیز/ مدیر گروه گرافیک و عکاسی دانشکده تجسمی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران/ محمد ستاری
۱۷۴	ممیز/ روی مهتابی تا صبح/ افشین شاهرودی
۱۷۸	ممیز/ معلم/ جلال شباهنگی
۱۸۰	ممیز/ گیرنده‌ی نامه/ سهراب شهید ثالث
۱۸۴	ممیز/ انیماتور/ مهرداد شیخان
۱۸۸	ممیز/ دوست/ قباد شیوا
۱۹۲	ممیز/ ظریف، ساده، بی پروا/ پری صابری
۱۹۹	ممیز/ مشوق/ ترانه صاحب
۲۰۲	ممیز/ هنرمندی با چاقوهای شکفته/ محمد صالح علا
۲۰۷	ممیز/ عکاس/ سیف‌الله صمدیان
۲۱۰	ممیز/ عضوای جی‌آی/ مجید عباسی
۲۱۳	ممیز/ پهلوان گرافیک/ بهروز غریب‌پور
۲۱۷	ممیز/ طراح هویت‌ساز/ کیانوش غریب‌پور
۲۲۰	ممیز/ سوژه‌ی عکاسی/ فخرالدین فخرالدینی
۲۲۳	ممیز/ معلم و همکار/ سید محمد فدوی
۲۲۹	ممیز/ مدیر مؤسسه/ من طراحان گرافیک ایران/ امیرالله فرهادی
۲۳۴	ممیز/ مدیر عضو/ وید فرهنگستان هنر/ مجید کیانی
۲۳۷	ممیز/ مدیر خلاقیت/ سیم/ هوشنگ گلمکانی
۲۴۲	ممیز/ دوست/ فریدون قالی
۲۴۴	ممیز/ هنرمند/ با/ تنای/ علی اصغر محتاج
۲۴۸	ممیز/ طراح جلد/ ساعد سکی
۲۵۰	ممیز/ میان‌دار میدان/ سرهای جسن/ مهنوش مشیری
۲۵۵	ممیز/ یکی از سه استاد/ صدق کار/ مطلق
۲۵۸	ممیز/ معلم/ علیرضا مصطفی
۲۶۱	ممیز/ نویسنده/ ضیاء موحد
۲۶۴	ممیز/ هنرمندی تمام‌وکمال/ آرماندو میلان
۲۶۶	ممیز/ نقاش/ غلامحسین نامی
۲۶۹	ممیز/ مدیر گروه گرافیک و عکاسی دانشکده هنرهای تجسمی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران/ مرتضی یمانی

فصل سوم

چند گفت‌وگو با ممیز/ ۲۷۱

۲۷۳	زندگی و حرفه/ فیروزه صابری
۲۸۵	در پشت پرده/ افسانه پدر
۲۹۵	تا... «نشان» خواهد بود.../ نادر ابراهیمی
۳۱۱	جامعه به‌سوی بیگانگی می‌رود/ بهروز صوراسرافیل
۳۱۷	توشه‌ای ایرانی برای مشارکت در ساخت فرهنگ جهانی/ یونس شکرخواه

فصل چهارم

ممیز به روایت آثار/ ۳۲۹

فصل پنجم

ممیز به روایت طراحان/ ۳۶۵

فصل ششم

ممیز به روایت تصویر/ ۳۸۵

به جای هفت نامه

فرزاد ادیبی

۱- نوشتن از مرتضی ممیز و کارکردن بر آن، آسانی نیست؛ از مردی که سهل و ممتنع کار می‌کرد و می‌نوشت و می‌گفت با زبان‌های هنرهای تجسمی و... از کودکی که در چهارمین روز از آخرین ماه تابستان ۱۳۱۵ در یکی از کوچه‌های میدان مولوی تهران چشم گشود به دنیای رنگ و نقش، و هرگز آن دو چشم جست‌وجوگر را نبست؛ او چشم‌پایش را به شاگردانش داد و رفت. چشم‌هایی که از استاد علی محمد حیدریان به امانت گرفته بود و او هم از کمال‌الملک... و...

گفتم که بنویسم: ما شاگردان ممیز، با واسطه‌ی دونسل، می‌شویم ساگر کمال‌الملک، که بنویسم: ما وارث چشم‌های او و کمال‌الدین بهزادیم و محمد سیاه‌قلم و میرزا غلام‌نوا و... محمد رضای کلهر و... گفتم که بنویسم: همه‌ی ما شاگردان فردوسی و حافظیم و بوعلی... بی‌گمان فردوسی و بهزاد و بوسعید و... هم مثل ما خندیده‌اند، گریسته‌اند و زیسته‌اند، به مهر و قهر با جهان، با همین ویژگی‌های انسانی. نه فرشته بوده‌اند و نه اسطوره و نه... مردمی بوده‌اند چون مردمان دیگر. و گفتم که بنویسم: مرتضای ممیز هم روزی، روزگاری، در آن سوی غبار تاریخ، دست‌نیافتنی نشود؛ مردی بود چون دیگران. مثل همه، اما هوشمند. هوشمندانه در شاخه‌های هنرهای تجسمی جست‌وجو و کار کرد، هوشمندانه معلمی کرد، برای حرفه‌اش کوشید و ساخت و بنیان نهاد هر آن‌چه را لازم بود. برای نگاهداری و نگاهبانی

از آن چه ساخته بود، تلاش‌ها کرد و از نامهربانی‌ها و نامردمی‌ها نهراسید. او آموزگاری بود که هنوز هم آموزه‌هایش در سینه‌ی ما می‌نید، نه فقط درس هنرش، که درس چگونه زیستن با این جهان و مردمان. همین که این شاگرد، پس از سال‌ها، فقط به خاطر فرهنگ و بی هیچ مزدی، به گردآوری این مجموعه شتافتیم، نشان از آن آموزه‌هاست.

۲- حوالی پاییز ۱۳۹۸ بود که محمد ولی‌زاده در تماسی به اطلاع رساند که: «کارگروه مشاهیر کمیسیون فرهنگی-اجتماعی شورای شهر تهران، در ادامه‌ی سلسله مراسم نکوداشت چهره‌های نامدار فرهنگی و اجتماعی، قصد دارد آیین بزرگداشتی هم برای استاد مرتضی ممیز برگزار کند. یکی از برنامه‌های این بزرگداشت هم انتشار یادنامه‌ای است که در همان روز رونمایی می‌شود. تو که شاگردش بوده‌ای و اهل نوشتنی، بیا گردآوری این یادنامه را بر عهده بگیر.» پیشنهاد اولیه‌ی مراسم، سالگرد درگذشت استاد بود که به دلیل هماهنگی‌های بیشتر در خصوص انتشار کتاب، تهیه‌ی فیلم و کلیپ، ساخت سردیس استاد و همچنین، نام‌گذاری حیاط به نام ایشان - که به پیشنهاد انجمن گرافیک و پیگیری دکتر محمد جواد حق‌شناس (عضو شورای شهر تهران، رئیس کمیسیون فرهنگی-اجتماعی این شورا) در جریان بود - به اوایل اردیبهشت ۱۴۰۰، به عقب و غرق در کرونا بود و احتمال می‌رفت که شاید برای سالگرد روزهایی که همه‌ی جهان، قلب و غرق در کرونا بود و احتمال می‌رفت که شاید برای سالگرد تولد استاد، جهان پاک شود؛ اما نماند، و زندگی گزیری نیست. باید رویدادها برگزار شوند و زندگی جریان یابد، اما به گونه‌ای دیگر...

۳- سختی این پرونده برای من ضاعف بود، چون از کسانی خواسته بودم بنویسند که جز چند تن، بقیه نویسنده‌ی حرفه‌ای نباشد و نگارش برای آن‌ها دشوار می‌نمود. از طرفی، هر کدام از این دوستان ادبیات و رویکرد ویژه‌ی خود را برای قبول درخواست داشتند و از سوی دیگر، در آغاز، با اشتیاق پذیرفتند که بنویسند، اما در ادامه‌ی راه برخی انصراف دادند و برخی هنوز در حال نگارش اند.

این پرونده نکات شیرینی را نیز برای این شاگرد رقم زد. نکاتی چون رفتن به گنجینه‌ی فیلم وزارت ارشاد برای گرفتن تیتراژهایی که ممیز برای فیلم‌ها کار کرده، و فرستادن آن‌ها برای هوشنگ گلمکانی که درباره‌شان بنویسد؛ جست‌وجوها برای یافتن مقالات و مطالب استاد؛ ضبط خاطره‌های بزرگانی چون جناب فخرالدین فخرالدینی که خود گنجینه‌ای است برای تاریخ شفاهی؛ و درخواست‌های پیاپی از نویسندگان این نوشتارها و... برای امانت‌داری، باید بنویسم که مطالب گرامیان: غلامحسین امیرخانی، افسانه بدر، جلال شباهنگی، فخرالدین فخرالدینی و مجید کیانی را نخست به صورت گفت‌وگو ضبط کرده و سپس آن‌ها را در قالب نوشتار تنظیم کردم و پس از تاییدشان، در این مجموعه جای گرفتند.

۴- در این مجموعه، ترجیح دادم به جنبه‌های ناپیدای ممیز بپردازم. ممیز را به عنوان طراح گرافیک، همه می‌شناسند؛ اما ممیز نویسنده، ممیز همسر و ممیز دوست و... را شاید کمتری شناسیم.

می‌دانم که این مجموعه کفایت عنایت به این سرو بلند باغ هنر را ندارد. امیدوارم در چاپ دوم این مجموعه به مواردی که جا ماند هم بپردازیم؛ ممیز به عنوان طرف قرارداد با کارگردانان، به عنوان عضو خانواده، به عنوان طراح نور، و...

از برخی اهالی مطبوعات که ممیز، بی‌چشمداشت، بسیار کمکشان کرده بود خواستم برای این کتاب بنویسند، اما ننوشتند؛ تلخ است. اما در دلم می‌ماند اگر نمی‌گفتم ناسپاس اند، مانند، یاری، از ما!

۵- ویر متنوعی نیز به دستم رسیده بود، اما به اقتضای ساختار کتاب، مجبور شدیم از بسیاری شان چشم‌پوشیم. قرار بود که هم‌زمان با بزرگداشت استاد، رونمایی از کاشی خیابان مرتضی ممیز و ونمایی از این کتاب، رویدادهای دیگری نیز برگزار شود از جمله: نمایشگاهی از پوسترهایی برای استاد روضی ممیز که پیشنهادش را به «انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران» دادم - انجمنی که من به همراه همکاران دیگر بنیان نهاد - همچنین، قرار بود از سردیس ایشان نیز در پارک هنرستان این‌ر نمای شود، اما برخی از این رویدادها به خاطر همه‌گیری ویروس کرونا، مثل بسیاری از رویدادها، دیگر، برگزار نمی‌شود.

۶- این مجموعه، یکی از چند کتابی است که به عنوان ثابت «دفترهای تهران» برای نگهداشت بزرگان ادب و هنر منتشر می‌شود و تقریباً همگی آن‌ها از همین تعداد صفحه و با همین ساختار تشکیل شده‌اند. سلیقه‌ی من، این ساختار را، با این مطالب و این چهارچوب نبود. در آغاز، نمی‌دانستم که باید در این چهارچوب کار را ارائه کنم. ابتدا که دانستم باید کتاب با کتاب‌های دیگر هم‌سان‌سازی شود، شرط مرآت و شاگردی من، سلیقه‌ام را بر خود کتاب ترجیح دهم و کتاب «مرتضی ممیز» در کنار کتاب‌های «عزت‌الله اشراقی»، «اکبر رادی»، «عباس کیارستمی» و... منتشر نشود. اگر عمری باقی بود، در کتابی دیگر، یک چهارم این مطالب را با متون و ساختاری دیگر منتشر و به استادم ادای دین خواهم کرد.

مطالبی که تاکنون برای استادم ممیز نوشته‌ام بسیارند، و هرچند نمی‌خواستم بیش از یک نوشته از من در این مجموعه باشد، ولی ناچار شدم که دو مطلب دیگر را نیز از خودم در این کتاب جای دهم، چون کسانی را نیافتم تا درباره‌ی آن موارد بنویسند.

در پایان، این جمله‌ی تکراری را باورمندانه می‌نویسم که این مجموعه بی‌نقص نیست و نیازمند راهنمایی‌های دوستان برای تصحیح و تکمیل آن است.